



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2025.88129.1288>



پژوهشی

جایگاه قانونی مجلس شورای اسلامی در تعیین و اجرای دیپلماسی خارجی در چارچوب نظام کنترل و توازن در مقایسه با کنگره ایالات متحده

دکتر ناصرعلی منصوریان (دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

mansourian@atu.ac.ir

عزت الله اکبری تالارپشتی (دانش آموخته دکترای حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

e.akbari1399@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی جایگاه و نقش قوه مقننه در سیاست خارجی، به مطالعه موردی مجلس شورای اسلامی ایران و کنگره ایالات متحده آمریکا می‌پردازد. در عصر حاضر که پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل و چالش‌های ژئوپلیتیک افزایش یافته، نقش نهادهای قانونگذار در شکل‌دهی و نظارت بر سیاست خارجی اهمیت دوچندان یافته است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، به بررسی چارچوب‌های قانونی، ساختارها و مکانیسم‌های تأثیرگذاری هر دو نهاد در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود تفاوت‌های ساختاری و حقوقی، هر دو نهاد از طریق ابزارهایی چون تصویب معاهدات بین‌المللی (اصل ۷۷ قانون اساسی ایران)، نظارت بر اجرای سیاست‌ها، تخصیص بودجه و دیپلماسی پارلمانی در سیاست خارجی نقش‌آفرینی می‌کنند. با این حال، کنگره آمریکا با برخورداری از اختیارات گسترده‌تر قانونی از جمله اعلان جنگ و کنترل بودجه، تأثیر عمیق‌تری بر سیاست خارجی دارد، در حالی که مجلس شورای اسلامی با محدودیت‌های ساختاری و قانونی متعددی مواجه است. این پژوهش با ارائه راهکارهایی همچون تقویت کمیته‌های تخصصی و بهبود سازوکارهای نظارتی، بر اهمیت تعامل سازنده قوای مقننه و مجریه در راستای ارتقای کارآمدی سیاست خارجی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، دیپلماسی پارلمانی، مجلس شورای اسلامی، کنگره آمریکا، تفکیک قوا، نظام کنترل و توازن.

مقدمه

سیاست خارجی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد حکمرانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین منافع ملی و امنیت کشورها دارد. در نظام‌های سیاسی مدرن، تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی نیازمند همکاری و تعامل میان قوای مختلف، به‌ویژه قوای مجریه و مقننه است. این تعامل در عصر جهانی شدن اهمیت دوچندان یافته است، چرا که پیچیدگی روزافزون روابط بین‌الملل، نقش پارلمان‌ها را در دیپلماسی و سیاست خارجی برجسته‌تر کرده است. همانطور که لیندسی (۲۰۱۹: ۱۲۸) در مطالعات خود تأکید می‌کند، نقش فزاینده پارلمان‌ها در شکل‌دهی به سیاست خارجی، پدیده‌ای است که در سراسر جهان قابل مشاهده است.

فورسایت (۲۰۱۸: ۱۵۶) در پژوهش‌های خود نشان می‌دهد که دیپلماسی پارلمانی به‌عنوان مکمل دیپلماسی رسمی، می‌تواند در پیشبرد اهداف ملی نقش مؤثری ایفا کند. این موضوع در چارچوب نظریه تفکیک قوا مونتسکیو (۱۷۴۸) و مدیسون (۱۷۸۸) قابل تحلیل است، که بر اهمیت توازن و تعامل میان قوا تأکید دارند. مطالعات والتز (۲۰۱۰) در زمینه موازنه قدرت و ریچاردسون (۲۰۱۹) در حوزه دیپلماسی پارلمانی نیز چارچوب نظری مناسبی برای درک این روابط فراهم می‌کنند.

مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهاد قانونگذار، براساس مطالعات غفاری (۲۰۲۰: ۲۳۴)، دارای اختیارات متعددی در حوزه سیاست خارجی است که در اصول ۷۷، ۸۰ و ۸۴ قانون اساسی تصریح شده است. این اختیارات شامل تصویب عهدنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی، نظارت بر عملکرد دستگاه دیپلماسی، و تصویب بودجه وزارت امور خارجه می‌شود. رفیع (۲۰۱۸: ۱۶۷) در بررسی تاریخی خود نشان می‌دهد که این نقش‌آفرینی طی دهه‌های گذشته تحول قابل توجهی داشته است.

در مقابل، کنگره آمریکا با برخورداری از اختیارات گسترده‌تر قانونی و سازوکارهای نظارتی قوی‌تر، نقش پررنگ‌تری در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایفا می‌کند (ویلسون و دیویس، ۲۰۲۲: ۸۹). مطالعات تطبیقی تامپسون (۲۰۲۱: ۳۴۵) نشان می‌دهد که تفاوت در مدل‌های تفکیک قوا و ساختارهای نهادی تأثیر مستقیمی بر این نقش‌آفرینی دارد.

اهمیت این پژوهش از آن روست که در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های متعدد بین‌المللی از جمله تحریم‌ها و فشارهای سیاسی مواجه است و نقش مجلس شورای اسلامی در مدیریت این چالش‌ها و حفاظت از منافع ملی حائز اهمیت است. از سوی دیگر، کنگره آمریکا با برخورداری از اختیارات گسترده در حوزه سیاست خارجی، الگویی از مشارکت فعال قوه مقننه در دیپلماسی را به نمایش می‌گذارد.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از تجربیات موفق و درس‌آموخته‌های نظام قانونگذاری آمریکا، جایگاه مجلس شورای اسلامی را در عرصه سیاست خارجی تقویت کرد؟ فرضیه پژوهش بر این اساس استوار است که تقویت سازوکارهای نظارتی، افزایش شفافیت در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی و گسترش دیپلماسی پارلمانی می‌تواند به ارتقای نقش مجلس در این حوزه کمک کند.

۱. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی-تطبیقی و با استفاده از روش‌های کیفی تحلیل محتوا و مطالعه موردی انجام شده است (براون و میلر، ۲۰۲۱: ۲۳۴). رویکرد تحلیلی-تطبیقی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا ضمن شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری دو نهاد قانونگذاری، به مقایسه چارچوب‌های قانونی و حقوقی حاکم بر عملکرد آنها بپردازد و میزان اثرگذاری هر یک از این نهادها بر سیاست خارجی را مورد ارزیابی قرار دهد.

در راستای گردآوری داده‌های پژوهش، مطالعات کتابخانه‌ای گسترده‌ای انجام شده که شامل بررسی جامع متون علمی و پژوهشی مرتبط، مطالعه کتب و مقالات تخصصی در حوزه حقوق اساسی و روابط بین‌الملل، و همچنین بررسی اسناد تاریخی مربوط به عملکرد پارلمان‌ها در سیاست خارجی بوده است. در این راستا، پژوهش‌های معتبر داخلی و خارجی مورد مطالعه قرار گرفته و از جدیدترین یافته‌های علمی در این حوزه بهره‌برداری شده است.

بخش مهمی از پژوهش به بررسی اسناد حقوقی اختصاص یافته که در برگرنده تحلیل قوانین اساسی دو کشور، مطالعه آیین‌نامه‌های داخلی مجالس، و بررسی مصوبات و قوانین مرتبط با سیاست خارجی می‌باشد. در این بخش، علاوه بر متن قوانین، تفاسیر حقوقی و رویه‌های عملی نیز مورد توجه قرار گرفته است. به طور خاص، اصول مربوط به اختیارات قوه مقننه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی ایالات متحده آمریکا به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین، یافته‌های پژوهش در چارچوب نظریه تفکیک قوا و با توجه به ساختارهای نهادی متفاوت دو کشور تحلیل و تفسیر شده‌اند.

در مرحله تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. در این روش، متون و اسناد مورد کدگذاری قرار گرفته، مضامین اصلی استخراج شده و پس از طبقه‌بندی یافته‌ها، روابط میان مفاهیم مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین، پنج مورد از مهم‌ترین تصمیمات سیاست خارجی در هر دو کشور طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ به عنوان مطالعات موردی انتخاب شده‌اند. این موارد شامل توافق هسته‌ای (برجام)،

تحریم‌های اقتصادی و نظامی، توسعه روابط با کشورهای همسایه، خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و توافقی‌های عادی‌سازی روابط در منطقه می‌باشند.

۲. چارچوب نظری و مبانی مفهومی

الف) مفهوم‌سازی رابطه قوه مقننه و سیاست خارجی

در عصر کنونی که روابط بین‌الملل از پیچیدگی و درهم‌تنیدگی فزاینده‌ای برخوردار است، نقش نهادهای قانونگذار در سیاست خارجی اهمیتی دوچندان یافته است. این مهم از منظر نظری و عملی قابل بررسی است. پژوهشگرانی چون دیوید فورسایت در مطالعات خود نشان داده‌اند که چگونه پارلمان‌ها از طریق قانونگذاری عادی می‌توانند بر سیاست خارجی تأثیر بگذارند.

نقش پارلمان‌ها به عنوان نهادهای منتخب مردم در تضمین مشروعیت دموکراتیک تصمیمات سیاست خارجی بسیار حائز اهمیت است. این نهادها با نمایندگی مستقیم از مردم، پلی میان خواست عمومی و سیاست‌های کلان کشور در عرصه بین‌المللی ایجاد می‌کنند. به ویژه در شرایط حساس بین‌المللی و مواجهه با چالش‌های خارجی، این نقش نمایندگی اهمیت مضاعفی می‌یابد.

سیاست خارجی در دنیای امروز صرفاً محدود به روابط دیپلماتیک نیست، بلکه مجموعه‌ای پیچیده از راهبردها و تصمیمات است که تأثیر مستقیمی بر زندگی روزمره شهروندان دارد. پارلمان‌ها با ابزارهای نظارتی و قانونگذاری خود، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به این تصمیمات ایفا می‌کنند. مطالعات شامباف در سال ۱۹۹۹ نشان می‌دهد که چگونه پارلمان‌ها از طریق تصویب بودجه، نظارت قانونی و دیپلماسی پارلمانی می‌توانند بر سیاست خارجی تأثیرگذار باشند.

در چارچوب نظریه تفکیک قوا، که ریشه در اندیشه‌های متفکرانی چون منتسکیو دارد، پارلمان‌ها نقش محوری در ایجاد توازن قدرت و جلوگیری از تمرکز تصمیم‌گیری در قوه مجریه دارند. این امر به ویژه در حوزه سیاست خارجی که سنتاً قلمرو انحصاری قوه مجریه تلقی می‌شده، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

دیپلماسی پارلمانی، به عنوان یکی از ابزارهای نوین تأثیرگذاری پارلمان‌ها، از طریق تشکیل گروه‌های دوستی و تعامل با پارلمان‌های سایر کشورها، مسیرهای جدیدی برای گفتگو و تعامل بین‌المللی ایجاد می‌کند. این نقش به ویژه در شرایط تنش‌های دیپلماتیک می‌تواند راهگشا باشد و به عنوان مکمل دیپلماسی رسمی عمل کند.

نقش نظارتی پارلمان‌ها در تصویب بودجه، معاهدات بین‌المللی و عملکرد دستگاه دیپلماسی، تضمین‌کننده شفافیت و پاسخگویی در حوزه سیاست خارجی است. این نظارت همچنین به تقویت منافع ملی و امنیت ملی کمک شایانی می‌کند. مطالعات اخیر ولفرث و جیمز در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که چگونه این نظارت می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های سنجیده‌تر در عرصه سیاست خارجی منجر شود.

در نهایت، باید توجه داشت که میزان اثرگذاری پارلمان‌ها در سیاست خارجی، متأثر از ساختار سیاسی، قانون اساسی و روابط میان قوا در هر کشور است. برای مثال، در حالی که کنگره آمریکا از اختیارات گسترده‌ای در حوزه سیاست خارجی برخوردار است، مجلس شورای اسلامی با توجه به ساختار خاص نظام سیاسی ایران و نقش محوری رهبری و شورای عالی امنیت ملی، در چارچوب‌های متفاوتی به ایفای نقش می‌پردازد.

۱. نظریه تفکیک قوا و توازن قدرت در سیاست خارجی

نظریه تفکیک قوا، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول حکمرانی مدرن، ریشه در اندیشه‌های متفکران کلاسیک، به‌ویژه مونتسکیو دارد. مونتسکیو در اثر برجسته خود “روح القوانين” در سال ۱۷۴۸ میلادی، با تأکید بر ضرورت تقسیم قدرت میان سه قوه مستقل مقننه، مجریه و قضائیه، این تفکیک را ضامن اصلی آزادی و مانعی در برابر استبداد معرفی می‌کند.

در ادامه این سنت فکری، اندیشمندان آمریکایی همچون جیمز مدیسون در مقاله شماره پنجاه و یک “فدرالیست”، مفهوم نظارت و توازن را در روابط قوای سه‌گانه به تفصیل تشریح می‌کند. الکساندر همیلتون نیز در مقاله شماره هفتاد و پنج “فدرالیست”، به طور ویژه به تبیین جایگاه و نقش قوه مقننه در عرصه سیاست خارجی می‌پردازد. این مبانی نظری، بعدها در ساختار سیاسی ایالات متحده آمریکا به شکلی عمیق نهادینه شد و به کنگره این کشور امکان داد تا نقشی تأثیرگذار در سیاست خارجی ایفا کند.

دیوید شامباف در پژوهش جامع خود در سال ۱۹۹۹، با تمرکز بر سازوکارهای نظارتی، به تحلیل راهبردهای مختلف پارلمان برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی پرداخته است. او معتقد است پارلمان‌ها از طریق ابزارهای متنوعی همچون تصویب بودجه، نظارت قانونی، و دیپلماسی پارلمانی می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به سیاست خارجی داشته باشند.

در مطالعه‌ای جدیدتر، ولفرث و جیمز در سال ۲۰۲۱، با بررسی جامع تعامل میان قوای مجریه و مقننه در حوزه دیپلماسی، نشان می‌دهند که چگونه این تعامل می‌تواند بر کارآمدی سیاست خارجی تأثیرگذار باشد. آنها استدلال می‌کنند که ایجاد توازن مناسب میان اختیارات پارلمان و قوه مجریه می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های سنجیده‌تر و مؤثرتر در عرصه سیاست خارجی منجر شود.

در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی، قوای حاکم را شامل قوای مقننه، مجریه و قضائیه می‌داند که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت اعمال می‌شوند. این ساختار، در مقایسه با نظام سیاسی آمریکا که در آن تفکیک قوا به شکل سنتی‌تری اجرا می‌شود، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. حضور نهادهای نظارتی همچون شورای نگهبان و شورای عالی امنیت ملی، و نقش محوری رهبری، چارچوب‌های متفاوتی را برای عملکرد مجلس شورای اسلامی در حوزه سیاست خارجی ترسیم می‌کند. این تفاوت‌های ساختاری و نهادی، تأثیر مستقیمی بر میزان و نحوه اثرگذاری پارلمان‌های دو کشور در عرصه سیاست خارجی دارد. در حالی که کنگره آمریکا از طریق اختیارات گسترده‌ای مانند تصویب بودجه، اعلان جنگ و نظارت تنظیمی، نفوذ قابل توجهی بر سیاست خارجی اعمال می‌کند، مجلس شورای اسلامی در چارچوب محدودتری به ایفای نقش می‌پردازد.

۲. نظریه‌های نوین دموکراتیک‌سازی سیاست خارجی

در مطالعات نظری روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، نظریه‌پردازان برجسته‌ای به تبیین نقش نهادهای قانونگذار در سیاستگذاری خارجی پرداخته‌اند. رابرت پوتنام (پوتنام، ۱۹۸۸) با ارائه نظریه "بازی در دو سطح"، چارچوب نظری بنیادینی برای درک پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ارائه کرده است. در این نظریه که به عنوان یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌های حوزه سیاست خارجی شناخته می‌شود، سیاستگذاران در یک فرآیند پیچیده دوسطحی عمل می‌کنند که شامل سطح داخلی و بین‌المللی است. هلن میلنر (میلنر، ۱۹۹۷) با گسترش دیدگاه پوتنام و با تمرکز ویژه بر نقش نهادهای داخلی، نظریه جامع‌تری درباره تأثیر ساختارهای داخلی بر سیاست خارجی ارائه داد. او با تحلیل عمیق ساختارهای داخلی کشورهای مختلف نشان داد که توزیع قدرت میان نهادهای داخلی، اطلاعات و ترجیحات آنها، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری سیاست خارجی دارد.

جیمز لیندسی (لیندسی، ۲۰۱۹) با ارائه مدل نوینی که بر پایه مطالعات تجربی گسترده استوار است، به تبیین مکانیسم‌های چهارگانه تأثیرگذاری پارلمان بر سیاست خارجی پرداخت. این مکانیسم‌ها شامل قانونگذاری مستقیم، نظارت بر اجرای سیاست‌ها، تأثیرگذاری بر افکار عمومی و دیپلماسی پارلمانی است که هر یک به شکلی مؤثر می‌توانند سیاست خارجی را شکل دهند.

ولفرث و جیمز (ولفرث و جیمز، ۲۰۲۱: ۱۵۶-۱۵۸) با نگاهی به تحولات عصر جهانی شدن و چالش‌های نوظهور در عرصه بین‌الملل، مدل جدیدی از تعامل قوا در سیاست خارجی ارائه دادند. آنها با تأکید بر

پیچیدگی‌های روزافزون جهان معاصر، ضرورت مشارکت فعال‌تر پارلمان‌ها در سیاست خارجی را مورد تأکید قرار دادند.

دیوید فورسایت (فورسایت، ۲۰۱۸: ۸۹-۹۲) با رویکردی عملگرایانه و با تکیه بر تجربیات موفق پارلمان‌های مختلف، به تحلیل مکانیسم‌های نوین نظارت پارلمانی بر سیاست خارجی پرداخت. او با بررسی دقیق نقش کمیسیون‌های تخصصی، جلسات استماع، تحقیق و تفحص و تصویب بودجه، چارچوبی عملی برای افزایش کارآمدی نظارت پارلمانی ارائه داد.

این چارچوب‌های نظری در مجموع، مبنای مناسبی برای درک و تحلیل نقش پارلمان‌ها در سیاست خارجی فراهم می‌آورند. به ویژه در مطالعه تطبیقی نقش مجلس شورای اسلامی و کنگره آمریکا، این نظریه‌ها می‌توانند به فهم بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری و کارکردی این دو نهاد قانونگذار کمک کنند و راهکارهایی برای ارتقای نقش آنها در سیاستگذاری خارجی ارائه دهند.

ب) مدل‌های نظری کنترل و توازن در سیاست خارجی

در بررسی نظام‌های سیاسی معاصر، دو مدل اصلی برای کنترل و توازن قوا در حوزه سیاست خارجی قابل شناسایی است که هر یک ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر به فردی دارند. این مدل‌ها در پرتو تحولات نظری و عملی روابط بین‌الملل شکل گرفته و تکامل یافته‌اند.

مدل کلاسیک که ریشه در نظریه‌های سنتی تفکیک قوا دارد، بر نظارت متقابل قوا از طریق مکانیسم‌های قانونی تأکید می‌کند. در این مدل، پارلمان به عنوان نماینده مردم، از طریق سازوکارهای مشخص و قانونی به اعمال نظارت می‌پردازد. یکی از مهمترین این سازوکارها، تصویب معاهدات بین‌المللی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل هفتاد و هفتم به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس این اصل، تمامی عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند.

نظارت بودجه‌ای یکی دیگر از ابزارهای کلیدی پارلمان در کنترل سیاست خارجی است. مجلس از طریق بررسی و تصویب بودجه سالانه، می‌تواند بر هزینه‌های مربوط به سیاست خارجی نظارت کند و جهت‌گیری‌های کلان را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، ابزارهای نظارت سیاسی مانند سؤال از وزراء، استیضاح و تحقیق و تفحص، امکان بررسی دقیق‌تر عملکرد دستگاه دیپلماسی را فراهم می‌آورند.

در مقابل، مدل نوین که متناسب با پیچیدگی‌های جهان معاصر تکامل یافته است، رویکردی چندبعدی به کنترل و توازن در سیاست خارجی دارد. این مدل بر دیپلماسی چندسطحی تأکید می‌کند که در آن، تعامل همزمان با بازیگران متعدد داخلی و خارجی صورت می‌گیرد. در این چارچوب، پارلمان نه تنها با نهادهای رسمی، بلکه با سازمان‌های غیردولتی، نهادهای تخصصی و افکار عمومی نیز در تعامل مستمر است. مشارکت نهادهای مدنی در فرآیند سیاستگذاری خارجی، یکی از ویژگی‌های برجسته مدل نوین است. این مشارکت از طریق برگزاری نشست‌های مشترک، دریافت نظرات کارشناسی و همکاری در پروژه‌های تحقیقاتی تحقق می‌یابد. علاوه بر این، توجه ویژه به افکار عمومی و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطات عمومی، به پارلمان امکان می‌دهد تا نقش مؤثرتری در شکل‌دهی به گفتمان سیاست خارجی ایفا کند. در مطالعه تطبیقی مجلس شورای اسلامی و کنگره آمریکا، می‌توان مشاهده کرد که کنگره از اختیارات گسترده‌تری در حوزه سیاست خارجی برخوردار است. این امر ناشی از ساختار سیاسی متفاوت و تفسیر خاص از اصل تفکیک قوا در نظام سیاسی آمریکاست. با این حال، تجربه هر دو نهاد نشان می‌دهد که ترکیب هوشمندانه عناصر هر دو مدل کلاسیک و نوین می‌تواند به تقویت نقش پارلمان در سیاستگذاری خارجی و ایجاد توازن مؤثر میان قوا کمک کند.

۳. تحلیل تطبیقی ساختار قانونی و حقوقی

الف) چارچوب قانونی مجلس شورای اسلامی در سیاست خارجی

مطالعه تطبیقی ساختار و سازوکارهای قانونی مجلس شورای اسلامی و کنگره آمریکا در حوزه سیاست خارجی، تفاوت‌های قابل توجهی را آشکار می‌سازد که ریشه در ساختارهای حقوقی-سیاسی متفاوت دو کشور دارد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی از طریق اصول متعددی به تبیین نقش مجلس در سیاست خارجی پرداخته است.

اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی، چارچوب کلی سیاست خارجی کشور را تبیین می‌کنند. بر اساس این اصول، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه چند اصل بنیادین شکل گرفته است: نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری در روابط بین‌الملل، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان در سراسر جهان، و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر. این اصول بنیادین، چارچوب اصلی فعالیت‌های مجلس در حوزه سیاست خارجی را مشخص می‌کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۵).

همچنین بر اساس اصل ۷۷، تصویب عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی قرار دارد. همچنین طبق اصل ۸۰، گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی نیازمند تصویب مجلس است.

در حوزه نظارتی نیز اصول ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی به نمایندگان مجلس حق سؤال از وزیر امور خارجه و رئیس‌جمهور و همچنین امکان استیضاح وزیر امور خارجه را اعطا کرده است. با این حال، ساختار سیاسی ایران محدودیت‌هایی را در اعمال این اختیارات ایجاد می‌کند. نقش تعیین‌کننده شورای عالی امنیت ملی در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاست خارجی، محدودیت دسترسی به اطلاعات حساس و محرمانه، و عدم وجود کمیته‌های تخصصی قدرتمند از جمله این محدودیت‌ها محسوب می‌شوند.

کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، نقش محوری در نظارت بر عملکرد وزارت امور خارجه دارد. این کمیسیون با برگزاری جلسات منظم، دریافت گزارش‌های دوره‌ای از وزارت امور خارجه و بررسی تخصصی مسائل سیاست خارجی، به عنوان بازوی تخصصی مجلس در این حوزه عمل می‌کند. علاوه بر این، تصویب بودجه سالانه وزارت امور خارجه یکی دیگر از ابزارهای مهم نظارتی مجلس است که امکان تأثیرگذاری بر سیاست‌های اجرایی این وزارتخانه را فراهم می‌آورد (ذوالقدر، ۱۴۰۰: ۸۹).

در مجموع، چارچوب قانونی موجود، ظرفیت‌های قابل توجهی برای ایفای نقش مؤثر مجلس شورای اسلامی در سیاست خارجی فراهم کرده است. با این حال، بهره‌برداری مؤثر از این ظرفیت‌ها نیازمند درک دقیق از محدودیت‌ها و فرصت‌های موجود و همچنین تعامل سازنده با سایر نهادهای مؤثر در سیاست خارجی است.

ب) چارچوب قانونی کنگره آمریکا در سیاست خارجی

کنگره ایالات متحده آمریکا بر اساس قانون اساسی این کشور، از اختیارات گسترده و قابل توجهی در حوزه سیاست خارجی برخوردار است. این اختیارات که در قانون اساسی آمریکا به صراحت مورد تأکید قرار گرفته‌اند، طیف وسیعی از حوزه‌های تصمیم‌گیری را در بر می‌گیرند. یکی از مهمترین این اختیارات، تصویب معاهدات بین‌المللی است که نیازمند رأی موافق دو سوم اعضای سنا می‌باشد. این الزام قانونی نشان‌دهنده اهمیت نقش کنگره در شکل‌دهی به روابط بین‌المللی آمریکا است (لیندسی و ریپلی، ۲۰۲۱: ۲۳۴).

کنگره از اختیار انحصاری اعلان جنگ برخوردار است که این امر نقش تعیین‌کننده این نهاد را در حساس‌ترین تصمیمات سیاست خارجی نشان می‌دهد. همچنین، تنظیم تجارت خارجی از دیگر حوزه‌های مهم اختیارات کنگره است که به این نهاد امکان می‌دهد بر روابط اقتصادی بین‌المللی ایالات متحده تأثیر

مستقیم بگذارد. قدرت تخصیص بودجه نیز ابزار مهم دیگری است که کنگره از طریق آن می‌تواند بر اجرای سیاست خارجی نظارت و کنترل داشته باشد.

در کنار اختیارات قانون اساسی، مجموعه‌ای از قوانین تکمیلی نیز چارچوب قانونی کنگره در سیاست خارجی را تقویت کرده‌اند. قانون اختیارات جنگی مصوب هزار و نهصد و هفتاد و سه یکی از مهمترین این قوانین است که در پی تجربیات جنگ ویتنام به تصویب رسید. این قانون محدودیت‌های مشخصی را برای استفاده رئیس‌جمهور از نیروهای مسلح در خارج از کشور تعیین می‌کند و الزام مشورت با کنگره را در چنین مواردی ضروری می‌داند.

قانون نظارت بر صادرات تسلیحات نیز از دیگر قوانین مهم در این حوزه است که به کنگره اختیار نظارت بر فروش تسلیحات به کشورهای خارجی را می‌دهد. همچنین، قانون تحریم‌های بین‌المللی به کنگره امکان می‌دهد تا از طریق وضع تحریم‌ها، بر رفتار سایر کشورها تأثیر بگذارد (مان، ۲۰۲۰: ۱۵۶).

این مجموعه قوانین و اختیارات، چارچوب حقوقی مستحکمی را برای نقش‌آفرینی کنگره در سیاست خارجی آمریکا فراهم آورده است. با این حال، اعمال مؤثر این اختیارات مستلزم درک دقیق از محدودیت‌ها و فرصت‌های موجود و همچنین تعامل سازنده با قوه مجریه است. تجربه نشان داده است که کنگره در مواقعی که از انسجام درونی بیشتری برخوردار بوده و توانسته اجماع دو حزبی ایجاد کند، در استفاده از این اختیارات موفق‌تر عمل کرده است.

در مقایسه با مجلس شورای اسلامی ایران، کنگره آمریکا از استقلال عمل بیشتری در حوزه سیاست خارجی برخوردار است. این تفاوت ناشی از ساختارهای متفاوت قانون اساسی و نظام سیاسی دو کشور است. با این حال، هر دو نهاد قانونگذار در چارچوب نظام موازنه و کنترل، نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست خارجی کشورهای خود ایفا می‌کنند.

ج) مکانیسم‌های نظارتی قوه مقننه در سیاست خارجی: مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا

مکانیسم‌های نظارتی در نظام سیاسی ایران و آمریکا از اهمیت ویژه‌ای در شکل‌دهی به سیاست خارجی برخوردار است. در جمهوری اسلامی ایران، نظارت مجلس شورای اسلامی بر سیاست خارجی از طریق دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد. در حوزه نظارت مستقیم، مجلس از طریق تصویب معاهدات و قراردادهای بین‌المللی نقش کلیدی ایفا می‌کند. این اختیار قانونی به نمایندگان مجلس امکان می‌دهد تا بر تعهدات بین‌المللی کشور نظارت دقیق داشته باشند. همچنین، تصویب بودجه سالانه وزارت امور خارجه از

دیگر ابزارهای نظارت مستقیم است که به مجلس اجازه می‌دهد بر نحوه هزینه‌کرد و اولویت‌های مالی دستگاه دیپلماسی نظارت کند.

در بعد نظارت غیرمستقیم، مجلس شورای اسلامی از ابزارهایی چون سؤال از وزیر امور خارجه، تذکر و در موارد جدی‌تر، استیضاح بهره می‌برد. این مکانیسم‌ها به نمایندگان اجازه می‌دهد تا در صورت مشاهده انحراف از سیاست‌های کلی نظام یا ناکارآمدی در اجرای برنامه‌ها، اقدامات اصلاحی لازم را انجام دهند. موسوی (۱۳۹۹: ۱۲۳) در پژوهش خود نشان می‌دهد که این ابزارهای نظارتی، علیرغم محدودیت‌های موجود، نقش مهمی در ایجاد توازن میان قوا در حوزه سیاست خارجی ایفا می‌کنند.

در مقابل، کنگره ایالات متحده آمریکا از مکانیسم‌های نظارتی گسترده‌تر و ساختارمندتری برخوردار است. در حوزه نظارت مستقیم، تصویب معاهدات در سنا نیازمند اکثریت دو سوم است که استاندارد بالاتری نسبت به ایران محسوب می‌شود. اختیارات بودجه‌ای کنگره نیز بسیار فراگیر است و این نهاد می‌تواند کنترل دقیقی بر تخصیص منابع مالی به برنامه‌های سیاست خارجی داشته باشد. علاوه بر این، تأیید انتصابات دیپلماتیک توسط سنا، اهرم نظارتی مهمی است که در نظام سیاسی ایران وجود ندارد.

نظارت غیرمستقیم در کنگره آمریکا عمدتاً از طریق جلسات استماع کمیته‌های تخصصی و صدور قطعنامه‌های غیرالزام‌آور صورت می‌گیرد. جانسون و پیترسون (۲۰۲۲: ۷۸) در مطالعات خود نشان می‌دهند که این مکانیسم‌ها، علیرغم غیرالزام‌آور بودن، تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی آمریکا دارند. کمیته‌های تخصصی کنگره با برگزاری جلسات منظم و دعوت از مقامات اجرایی و کارشناسان، نقش مهمی در شکل‌دهی به گفتمان سیاست خارجی و نظارت بر عملکرد دستگاه دیپلماسی ایفا می‌کنند. مقایسه مکانیسم‌های نظارتی دو کشور نشان می‌دهد که نظام سیاسی آمریکا از ساختار نهادینه‌تر و کارآمدتری در زمینه نظارت قوه مقننه بر سیاست خارجی برخوردار است. این تفاوت‌ها ریشه در تجربیات تاریخی، ساختارهای سیاسی و چارچوب‌های قانونی متفاوت دو کشور دارد. با این حال، هر دو نظام سیاسی تلاش می‌کنند تا از طریق مکانیسم‌های نظارتی، توازن قوا را در حوزه سیاست خارجی حفظ کنند و از تمرکز بیش از حد قدرت در دست قوه مجریه جلوگیری نمایند.

د) محدودیت‌های قوه مقننه در سیاست خارجی: مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا

بررسی محدودیت‌های قوه مقننه در سیاست خارجی ایران و آمریکا نشان‌دهنده چالش‌های متعددی است که این نهادها در اجرای وظایف نظارتی و قانون‌گذاری خود با آن مواجه هستند. در جمهوری اسلامی ایران،

مجلس شورای اسلامی با محدودیت‌های ساختاری و عملیاتی قابل توجهی روبرو است. یکی از مهمترین این محدودیت‌ها، وجود نهادهای موازی در سیاست‌گذاری خارجی است که گاه منجر به تداخل وظایف و کاهش اثربخشی تصمیمات مجلس می‌شود. این نهادهای موازی که شامل شورای عالی امنیت ملی و نهادهای امنیتی می‌شوند، در مواردی می‌توانند مسیرهای تصمیم‌گیری را به گونه‌ای هدایت کنند که از حوزه نظارت مستقیم مجلس خارج شود.

محدودیت دیگری که مجلس شورای اسلامی با آن مواجه است، دسترسی محدود به اطلاعات حساس در حوزه سیاست خارجی است. این مسئله به ویژه در مواردی که تصمیمات مهم و استراتژیک باید اتخاذ شود، می‌تواند توانایی نمایندگان را در ارزیابی دقیق موضوعات و اتخاذ تصمیمات آگاهانه محدود کند. رضایی (۱۴۰۱: ۱۶۷) در پژوهش خود نشان می‌دهد که عدم وجود سازوکارهای اجرایی قوی برای پیگیری و اجرای مصوبات مجلس در حوزه سیاست خارجی، یکی دیگر از چالش‌های جدی است که اثربخشی نقش نظارتی مجلس را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در سوی دیگر، کنگره ایالات متحده نیز علیرغم برخورداری از اختیارات گسترده‌تر، با محدودیت‌های خاص خود مواجه است. پیچیدگی فرآیند تصمیم‌گیری در کنگره، که ناشی از ساختار دو مجلسی و نیاز به اجماع در موضوعات مهم است، می‌تواند روند تصمیم‌گیری را کند و در مواردی ناکارآمد سازد. این مسئله به ویژه در شرایط بحرانی که نیاز به واکنش سریع وجود دارد، می‌تواند چالش‌برانگیز باشد.

محدودیت‌های زمانی در واکنش به بحران‌های بین‌المللی یکی دیگر از چالش‌های جدی کنگره است. اسمیت و براون (۲۰۲۳: ۲۴۵) در مطالعات خود نشان می‌دهند که فرآیندهای طولانی تصویب قوانین و تصمیم‌گیری در کنگره می‌تواند با ضرورت‌های فوری سیاست خارجی در تضاد قرار گیرد. این مسئله به ویژه در مواقعی که نیاز به واکنش سریع به تحولات بین‌المللی وجود دارد، می‌تواند مشکل‌ساز باشد.

چالش‌های هماهنگی با قوه مجریه نیز یکی دیگر از محدودیت‌های مهم کنگره در حوزه سیاست خارجی است. این مسئله به ویژه در زمان‌هایی که کنترل دو قوه در اختیار احزاب مختلف است، می‌تواند به تنش‌های سیاسی و ناکارآمدی در تصمیم‌گیری‌های مهم منجر شود. تجربه نشان داده است که این اختلافات می‌تواند به تأخیر در تصویب معاهدات مهم بین‌المللی یا تخصیص بودجه‌های ضروری برای برنامه‌های سیاست خارجی منجر شود.

مقایسه محدودیت‌های دو نهاد قانون‌گذاری نشان می‌دهد که علیرغم تفاوت‌های ساختاری و سیاسی، هر دو نهاد با چالش‌های مشابهی در زمینه اثرگذاری بر سیاست خارجی مواجه هستند. با این حال، تفاوت اصلی در ماهیت این محدودیت‌ها است؛ در حالی که محدودیت‌های مجلس شورای اسلامی بیشتر ساختاری و نهادی است، چالش‌های کنگره آمریکا عمدتاً مربوط به فرآیندهای تصمیم‌گیری و هماهنگی با سایر نهادها است.

۴. تحلیل تطبیقی عملکرد و کارآمدی

الف) شاخص‌های ارزیابی عملکرد قوه مقننه در سیاست خارجی: تحلیل تطبیقی ایران و آمریکا

ارزیابی عملکرد قوه مقننه در حوزه سیاست خارجی نیازمند شاخص‌های دقیق و قابل سنجش است. بر اساس مطالعات گسترده کاتزمن و همکاران (۲۰۲۳: ۱۲۳)، شاخص‌های نظارتی به عنوان یکی از مهمترین معیارهای سنجش عملکرد قوه مقننه در حوزه سیاست خارجی شناخته می‌شوند. این شاخص‌ها شامل سه محور اصلی است: میزان دسترسی به اطلاعات دیپلماتیک، قدرت اجرایی مصوبات و توانایی تأثیرگذاری بر تصمیمات اجرایی. در این میان، دسترسی به اطلاعات دیپلماتیک نقش کلیدی در توانمندسازی نمایندگان برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه و نظارت مؤثر بر عملکرد دستگاه دیپلماسی دارد.

قدرت اجرایی مصوبات به عنوان دومین شاخص نظارتی، نشان‌دهنده میزان اثربخشی تصمیمات قوه مقننه در عرصه سیاست خارجی است. این شاخص به ویژه در مواردی که نیاز به اعمال تغییرات اساسی در رویکردهای سیاست خارجی وجود دارد، اهمیت می‌یابد. توانایی تأثیرگذاری بر تصمیمات اجرایی نیز به عنوان سومین شاخص، منعکس‌کننده قدرت واقعی قوه مقننه در شکل‌دهی به سیاست خارجی است.

در بعد قانون‌گذاری، پژوهش حسینی و رضایی (۱۴۰۱: ۸۹) نشان می‌دهد که کیفیت قوانین مصوب در حوزه سیاست خارجی و سرعت واکنش به تحولات بین‌المللی از شاخص‌های کلیدی محسوب می‌شوند. کیفیت قوانین مصوب نه تنها از منظر محتوایی، بلکه از جهت انطباق با معاهدات بین‌المللی نیز حائز اهمیت است. این مسئله به ویژه در شرایط کنونی که روابط بین‌الملل از پیچیدگی‌های فزاینده‌ای برخوردار است، اهمیت دوچندان می‌یابد.

انطباق قوانین با معاهدات بین‌المللی به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های مهم قانون‌گذاری، نشان‌دهنده توانایی قوه مقننه در هماهنگ‌سازی قوانین داخلی با تعهدات بین‌المللی است. این شاخص به ویژه در عصر جهانی شدن و وابستگی متقابل کشورها، نقش مهمی در موفقیت سیاست خارجی ایفا می‌کند. تجربه نشان داده است که قوانین منطبق با استانداردهای بین‌المللی، امکان تعامل سازنده‌تر با جامعه جهانی را فراهم می‌آورند.

بررسی تطبیقی این شاخص‌ها در مجلس شورای اسلامی و کنگره آمریکا نشان می‌دهد که علیرغم وجود چارچوب‌های قانونی مشخص، میزان موفقیت در دستیابی به این شاخص‌ها متفاوت است. این تفاوت‌ها ریشه در ساختارهای سیاسی، تجربیات تاریخی و میزان استقلال عمل قوه مقننه در هر کشور دارد. با این حال، هر دو نهاد تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارهای قانونی و نظارتی موجود، نقش مؤثری در شکل‌دهی به سیاست خارجی کشور خود ایفا کنند.

ب) مقایسه کارآمدی قوه مقننه در سیاست خارجی: تحلیل تطبیقی ایران و آمریکا

بررسی تطبیقی کارآمدی قوه مقننه در حوزه سیاست خارجی ایران و آمریکا، تفاوت‌های قابل توجهی را در دو حوزه اصلی نظارت بر معاهدات و دیپلماسی پارلمانی نشان می‌دهد. در حوزه نظارت بر معاهدات، مجلس شورای اسلامی با محدودیت‌های جدی مواجه است. بر اساس مطالعات موسوی (۱۴۰۰: ۱۵۶)، این محدودیت‌ها عمدتاً در دو بخش نمود پیدا می‌کند: تأخیر در فرآیند تصویب معاهدات و عدم دسترسی به جزئیات مذاکرات. این مسئله باعث می‌شود که نمایندگان مجلس نتوانند نظارت کافی و مؤثر بر روند مذاکرات و تصمیم‌گیری‌های دیپلماتیک داشته باشند.

در مقابل، کنگره آمریکا از جایگاه قوی‌تری در نظارت بر معاهدات برخوردار است. تامپسون و ویلسون (۲۰۲۳: ۲۳۴) در پژوهش خود نشان می‌دهند که کنگره از طریق نظارت مستمر بر روند مذاکرات، مشارکت فعال در تدوین راهبردها و دسترسی گسترده به اطلاعات دیپلماتیک، نقش مؤثرتری در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایفا می‌کند. این دسترسی گسترده به اطلاعات و مشارکت فعال در فرآیند تصمیم‌گیری، به نمایندگان کنگره امکان می‌دهد تا با آگاهی بیشتر و تأثیرگذاری عمیق‌تری در حوزه سیاست خارجی عمل کنند.

در حوزه دیپلماسی پارلمانی نیز تفاوت‌های چشمگیری میان دو نهاد قانون‌گذاری وجود دارد. کریمی و همکاران (۱۴۰۲: ۱۷۸) در مطالعات جامع خود به محدودیت‌های مجلس شورای اسلامی در این حوزه اشاره می‌کنند. این محدودیت‌ها شامل فعالیت محدود گروه‌های دوستی، محدودیت در تعامل با پارلمان‌های غربی و تمرکز صرف بر روابط منطقه‌ای است. این محدودیت‌ها باعث می‌شود که مجلس نتواند از ظرفیت‌های دیپلماسی پارلمانی به طور کامل بهره‌برداری کند.

در سوی دیگر، رابرتز (۲۰۲۲: ۳۴۵) در تحلیل خود از عملکرد کنگره آمریکا، به شبکه گسترده روابط پارلمانی این نهاد اشاره می‌کند. کنگره از طریق ابتکار عمل در دیپلماسی موازی و تأثیرگذاری مستقیم بر روابط دوجانبه، نقش مهمی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی آمریکا ایفا می‌کند. این شبکه گسترده روابط

پارلمانی به کنگره امکان می‌دهد تا علاوه بر نقش نظارتی، به عنوان یک بازیگر فعال در عرصه دیپلماسی عمل کند.

مقایسه کارآمدی دو نهاد نشان می‌دهد که علیرغم وجود چارچوب‌های قانونی مشخص برای هر دو نهاد، کنگره آمریکا از ابزارها و اختیارات گسترده‌تری برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی برخوردار است. این تفاوت در کارآمدی را می‌توان به عواملی چون ساختار سیاسی متفاوت، تجربه تاریخی طولانی‌تر در دموکراسی پارلمانی و وجود سازوکارهای نهادینه‌شده برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی نسبت داد.

ج) چالش‌های ساختاری قوه مقننه در سیاست خارجی: مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا

بررسی چالش‌های ساختاری قوه مقننه در حوزه سیاست خارجی، تفاوت‌های قابل توجهی را میان مجلس شورای اسلامی و کنگره آمریکا نشان می‌دهد. محمدی (۱۴۰۱: ۲۱۲) در تحقیقات جامع خود به سه چالش اساسی در ساختار مجلس شورای اسلامی اشاره می‌کند که تأثیر قابل توجهی بر عملکرد این نهاد در حوزه سیاست خارجی دارند. نخستین چالش، تداخل وظایف با شورای عالی امنیت ملی است که گاه منجر به موازی‌کاری و ناهماهنگی در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاست خارجی می‌شود. این تداخل وظایف نه تنها کارآمدی تصمیمات را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند به تضعیف جایگاه نظارتی مجلس نیز منجر شود.

محدودیت در دسترسی به اطلاعات محرمانه، دومین چالش ساختاری مهم مجلس شورای اسلامی است. این محدودیت باعث می‌شود نمایندگان مجلس نتوانند تصویر کاملی از مسائل و موضوعات حساس سیاست خارجی داشته باشند و در نتیجه، توانایی آنها در اتخاذ تصمیمات آگاهانه و نظارت مؤثر بر عملکرد دستگاه دیپلماسی محدود می‌شود. فقدان سازوکارهای نظارتی مؤثر نیز به عنوان سومین چالش، توانایی مجلس در اعمال نظارت کارآمد بر سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در سوی دیگر، برنستین و همکاران (۲۰۲۳: ۱۷۸) در مطالعات اخیر خود به چالش‌های ساختاری متفاوتی در کنگره آمریکا اشاره می‌کنند. تأخیر در تصمیم‌گیری‌های فوری یکی از مهمترین این چالش‌هاست که به ویژه در شرایط بحرانی و نیاز به واکنش سریع در عرصه بین‌المللی، می‌تواند مشکل‌ساز باشد. این تأخیر عمدتاً ناشی از فرآیندهای پیچیده تصمیم‌گیری و نیاز به اجماع در موضوعات مهم است.

تضاد منافع حزبی به عنوان دومین چالش ساختاری کنگره آمریکا، می‌تواند روند تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی را با مشکل مواجه کند. این مسئله به ویژه در زمان‌هایی که کنترل دو مجلس کنگره در

اختیار احزاب مختلف است، می‌تواند به بن‌بست‌های سیاسی و تأخیر در تصویب تصمیمات مهم منجر شود. پیچیدگی فرآیندهای تصویب نیز به عنوان سومین چالش، می‌تواند کارآمدی کنگره در واکنش به تحولات سریع بین‌المللی را کاهش دهد.

مقایسه چالش‌های ساختاری دو نهاد نشان می‌دهد که علیرغم تفاوت در ماهیت چالش‌ها، هر دو نهاد با موانعی در اعمال نقش مؤثر خود در سیاست خارجی مواجه هستند. با این حال، تفاوت اصلی در این است که چالش‌های مجلس شورای اسلامی بیشتر ریشه در محدودیت‌های ساختاری و نهادی دارد، در حالی که چالش‌های کنگره آمریکا عمدتاً مربوط به پیچیدگی‌های فرآیندی و تضادهای سیاسی است. این تفاوت‌ها را می‌توان به تجربیات تاریخی متفاوت، ساختارهای سیاسی و میزان استقلال عمل قوه مقننه در هر کشور نسبت داد.

د) راهکارهای پیشنهادی برای تقویت نقش قوه مقننه در سیاست خارجی

بررسی راهکارهای پیشنهادی برای تقویت نقش قوه مقننه در سیاست خارجی، نشان‌دهنده ضرورت اصلاحات ساختاری و تقویت دیپلماسی پارلمانی است. کارگروه مطالعات راهبردی مجلس (۱۴۰۱: ۲۳۴) در گزارش جامع خود، مجموعه‌ای از راهکارهای اصلاحات ساختاری را برای افزایش کارآمدی مجلس شورای اسلامی در حوزه سیاست خارجی ارائه کرده است. تقویت کمیسیون‌های تخصصی به عنوان یکی از مهمترین این راهکارها، می‌تواند به افزایش تخصص‌گرایی و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها در حوزه سیاست خارجی کمک کند. این تقویت شامل افزایش اختیارات کمیسیون‌ها، تخصیص منابع بیشتر و بهره‌گیری از کارشناسان متخصص در حوزه‌های مختلف سیاست خارجی است.

ایجاد مرکز پژوهش‌های دیپلماتیک به عنوان دومین راهکار ساختاری، می‌تواند نقش مهمی در تقویت پشتوانه علمی و پژوهشی تصمیمات مجلس در حوزه سیاست خارجی ایفا کند. این مرکز می‌تواند با انجام مطالعات تطبیقی، تحلیل روندهای بین‌المللی و ارائه گزارش‌های کارشناسی، به نمایندگان مجلس در اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر کمک کند. تدوین آیین‌نامه‌های نظارتی جامع نیز به عنوان سومین راهکار ساختاری، می‌تواند چارچوب مشخصی برای نظارت مؤثر مجلس بر سیاست خارجی فراهم کند.

در حوزه تقویت دیپلماسی پارلمانی، رضوی و همکاران (۱۴۰۲: ۱۶۷) در مطالعات تطبیقی خود به راهکارهای مهمی اشاره می‌کنند. گسترش روابط بین‌پارلمانی به عنوان یکی از این راهکارها، می‌تواند به

تقویت جایگاه مجلس در عرصه بین‌المللی کمک کند. این گسترش روابط می‌تواند از طریق تبادل هیئت‌های پارلمانی، برگزاری نشست‌های مشترک و همکاری در زمینه‌های مختلف قانون‌گذاری صورت گیرد. تقویت گروه‌های دوستی پارلمانی نیز راهکار مهم دیگری است که می‌تواند به تعمیق روابط دوجانبه و چندجانبه کمک کند. این گروه‌ها می‌توانند با فعالیت مستمر و هدفمند، زمینه را برای گفتگوهای سازنده و همکاری‌های عملی میان پارلمان‌ها فراهم کنند. افزایش مشارکت در مجامع بین‌المللی نیز به عنوان سومین راهکار در حوزه دیپلماسی پارلمانی، می‌تواند به افزایش نفوذ و تأثیرگذاری مجلس در عرصه بین‌المللی منجر شود.

اجرای این راهکارها مستلزم همکاری نزدیک میان قوای مختلف، تخصیص منابع کافی و ایجاد زیرساخت‌های لازم است. همچنین، موفقیت در اجرای این راهکارها نیازمند درک درست از محدودیت‌ها و چالش‌های موجود و تلاش برای رفع آنها است. با توجه به اهمیت روزافزون دیپلماسی پارلمانی در عرصه بین‌المللی، تقویت نقش مجلس در این حوزه می‌تواند به ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌الملل و پیشبرد منافع ملی کمک شایانی کند.

۵. تحلیل کاربردی و پیشنهادات اجرایی

الف) ارزیابی عملکرد دیپلماسی پارلمانی: مطالعه تطبیقی مجلس شورای اسلامی و کنگره آمریکا

ارزیابی عملکرد دیپلماسی پارلمانی نیازمند شناخت دقیق شاخص‌های سنجش و مقایسه عملکرد نهادهای قانون‌گذاری است. دلاورپوراقدم و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۵: ۱۲۳) در مطالعات جامع خود، سه شاخص کلیدی برای ارزیابی موفقیت دیپلماسی پارلمانی معرفی کرده‌اند. نخستین شاخص، میزان مشارکت در مجامع بین‌المللی است که نشان‌دهنده حضور فعال و تأثیرگذار پارلمان در عرصه بین‌المللی می‌باشد. این مشارکت می‌تواند شامل حضور در نشست‌های بین‌المللی، عضویت در سازمان‌های پارلمانی منطقه‌ای و جهانی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مهم بین‌المللی باشد.

کیفیت روابط با پارلمان‌های کشورهای هدف، دومین شاخص مهم در ارزیابی دیپلماسی پارلمانی است. این شاخص به سطح و عمق روابط دوجانبه و چندجانبه با پارلمان‌های دیگر کشورها می‌پردازد و می‌تواند شامل تبادل هیئت‌های پارلمانی، برگزاری نشست‌های مشترک و همکاری در زمینه‌های مختلف قانون‌گذاری باشد. اثربخشی گروه‌های دوستی پارلمانی نیز به عنوان سومین شاخص، نقش مهمی در ارزیابی موفقیت دیپلماسی پارلمانی ایفا می‌کند.

در مقایسه عملکرد دو نهاد قانون‌گذاری، غفاری (۲۰۲۰: ۸۷) در پژوهش خود به چالش‌های جدی مجلس شورای اسلامی در حوزه دیپلماسی پارلمانی اشاره می‌کند. محدودیت در تعامل با پارلمان‌های غربی یکی از مهمترین این چالش‌هاست که می‌تواند به کاهش اثربخشی دیپلماسی پارلمانی منجر شود. تمرکز بر دیپلماسی منطقه‌ای، اگرچه می‌تواند در کوتاه‌مدت مفید باشد، اما محدود کردن روابط به سطح منطقه‌ای می‌تواند فرصت‌های مهم همکاری با سایر کشورها را از دست بدهد. عدم انسجام در فعالیت‌های بین‌المللی نیز چالش دیگری است که کارآمدی دیپلماسی پارلمانی مجلس را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در مقابل، فورسایت (۲۰۱۸: ۱۵۶) در تحلیل خود از عملکرد کنگره آمریکا، به نقاط قوت قابل توجهی اشاره می‌کند. شبکه گسترده روابط بین‌پارلمانی کنگره، امکان تعامل مؤثر با طیف وسیعی از کشورها را فراهم می‌کند. این شبکه گسترده نه تنها به تبادل تجربیات و همکاری‌های قانون‌گذاری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع ملی نیز عمل کند. تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست خارجی از طریق ابزارهای قانونی و نظارتی، نقطه قوت دیگر کنگره است که به آن امکان می‌دهد نقش فعال‌تری در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایفا کند. انسجام در دیپلماسی پارلمانی نیز به کنگره امکان می‌دهد تا با برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند، اثربخشی فعالیت‌های خود را افزایش دهد.

این مقایسه نشان می‌دهد که علیرغم وجود چارچوب‌های قانونی برای فعالیت هر دو نهاد، کنگره آمریکا توانسته است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و ایجاد ساختارهای منسجم، عملکرد موفق‌تری در حوزه دیپلماسی پارلمانی داشته باشد. این تفاوت در عملکرد می‌تواند درس‌های مهمی برای تقویت دیپلماسی پارلمانی مجلس شورای اسلامی داشته باشد.

ب) راهکارهای توانمندسازی دیپلماسی پارلمانی: تحلیل اصلاحات ساختاری و توسعه ظرفیت‌های

نظارتی

بررسی راهکارهای توانمندسازی دیپلماسی پارلمانی نشان‌دهنده ضرورت اصلاحات ساختاری و توسعه ظرفیت‌های نظارتی است. محمدی و همکاران (۱۴۰۱: ۲۳۴) در مطالعه جامع خود، سه راهکار اساسی برای اصلاحات ساختاری در مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌کنند. تقویت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان نخستین راهکار، می‌تواند به افزایش تخصص‌گرایی و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها در حوزه سیاست خارجی کمک کند. این تقویت می‌تواند شامل افزایش اختیارات کمیسیون، تخصیص منابع بیشتر و بهره‌گیری از کارشناسان متخصص در حوزه‌های مختلف سیاست خارجی باشد.

ایجاد مرکز مطالعات دیپلماتیک مجلس به عنوان دومین راهکار ساختاری، می‌تواند نقش مهمی در تقویت پشتوانه علمی و پژوهشی تصمیمات مجلس در حوزه سیاست خارجی ایفا کند. این مرکز می‌تواند با انجام مطالعات تطبیقی، تحلیل روندهای بین‌المللی و ارائه گزارش‌های کارشناسی، به نمایندگان مجلس در اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر کمک کند. تدوین سند راهبردی دیپلماسی پارلمانی نیز به عنوان سومین راهکار ساختاری، می‌تواند چارچوب مشخصی برای فعالیتهای دیپلماتیک مجلس فراهم کند و به انسجام بیشتر در این حوزه منجر شود.

در حوزه توسعه ظرفیتهای نظارتی، کریمی (۱۴۰۲: ۱۸۹) راهکارهای مهمی را مطرح می‌کند. تقویت سازوکارهای نظارت بر معاهدات به عنوان نخستین راهکار، می‌تواند به افزایش کارآمدی نظارت پارلمانی بر توافقات بین‌المللی منجر شود. این تقویت می‌تواند شامل ایجاد کمیته‌های تخصصی برای بررسی معاهدات، تدوین چارچوب‌های نظارتی مشخص و افزایش دسترسی به اطلاعات مربوط به مذاکرات باشد.

افزایش شفافیت در روابط خارجی به عنوان دومین راهکار در حوزه توسعه ظرفیتهای نظارتی، می‌تواند به بهبود کیفیت نظارت پارلمانی کمک کند. این شفافیت می‌تواند از طریق ارائه گزارش‌های منظم به مجلس، برگزاری جلسات استماع عمومی و انتشار اطلاعات مربوط به فعالیتهای دیپلماتیک محقق شود. گسترش اختیارات نظارتی کمیسیون‌های تخصصی نیز به عنوان سومین راهکار، می‌تواند به تقویت نقش نظارتی مجلس در حوزه سیاست خارجی کمک کند.

اجرای این راهکارها مستلزم همکاری نزدیک میان قوای مختلف، تخصیص منابع کافی و ایجاد زیرساخت‌های لازم است. همچنین، موفقیت در اجرای این راهکارها نیازمند درک درست از محدودیت‌ها و چالش‌های موجود و تلاش برای رفع آنها است. با توجه به اهمیت روزافزون دیپلماسی پارلمانی در عرصه بین‌المللی، تقویت نقش مجلس در این حوزه می‌تواند به ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌الملل و پیشبرد منافع ملی کمک شایانی کند.

این راهکارها باید در چارچوب قانون اساسی و با توجه به ساختار سیاسی کشور اجرا شوند. همچنین، لازم است تجربیات موفق سایر پارلمان‌ها در این زمینه مورد مطالعه قرار گیرد و با توجه به شرایط و مقتضیات داخلی، راهکارهای مناسب انتخاب و اجرا شوند. در نهایت، موفقیت در اجرای این راهکارها می‌تواند به تقویت جایگاه مجلس در عرصه سیاست خارجی و افزایش کارآمدی دیپلماسی پارلمانی منجر شود.

ج) پیشنهادات اجرایی برای تقویت دیپلماسی پارلمانی: رویکرد کوتاه‌مدت و بلندمدت

در راستای تقویت نقش مجلس شورای اسلامی در عرصه دیپلماسی پارلمانی، رضوی و همکاران (۱۴۰۲): ۲۱۲) راهکارهای اجرایی کوتاه‌مدتی را پیشنهاد می‌کنند که می‌تواند به سرعت به تقویت این نقش کمک کند. تشکیل کارگروه‌های تخصصی دیپلماسی پارلمانی به عنوان نخستین راهکار، می‌تواند به افزایش تخصص‌گرایی و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها در حوزه دیپلماسی پارلمانی منجر شود. این کارگروه‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از تجربیات نمایندگان و کارشناسان، راهبردهای مؤثری برای تعامل با پارلمان‌های دیگر کشورها تدوین کنند.

برگزاری نشست‌های مشترک با پارلمان‌های منطقه به عنوان دومین راهکار کوتاه‌مدت، می‌تواند به تقویت روابط منطقه‌ای و ایجاد همگرایی بیشتر میان کشورهای همسایه کمک کند. این نشست‌ها می‌تواند فرصتی برای تبادل تجربیات، هماهنگی سیاست‌ها و حل مسائل مشترک منطقه‌ای فراهم کنند. تقویت ارتباط با رسانه‌های بین‌المللی نیز به عنوان سومین راهکار کوتاه‌مدت، می‌تواند به افزایش دیده‌شدن و تأثیرگذاری فعالیت‌های دیپلماتیک مجلس در سطح بین‌المللی کمک کند.

در حوزه راهکارهای بلندمدت، حسینی (۱۴۰۱: ۱۷۸) به سه راهکار اساسی اشاره می‌کند که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و اقدامات زیرساختی است. اصلاح قوانین مرتبط با اختیارات مجلس به عنوان نخستین راهکار بلندمدت، می‌تواند به تقویت جایگاه قانونی مجلس در عرصه سیاست خارجی کمک کند. این اصلاحات باید با توجه به تجربیات موفق سایر پارلمان‌ها و در چارچوب قانون اساسی صورت گیرد. ایجاد سیستم جامع نظارت پارلمانی به عنوان دومین راهکار بلندمدت، می‌تواند به افزایش کارآمدی نظارت مجلس بر سیاست خارجی منجر شود. این سیستم باید شامل سازوکارهای مشخص برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات، ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی و پیگیری اجرای مصوبات باشد. توسعه دیپلماسی چندجانبه پارلمانی نیز به عنوان سومین راهکار بلندمدت، می‌تواند به گسترش شبکه روابط بین‌المللی مجلس و افزایش تأثیرگذاری آن در عرصه بین‌المللی کمک کند.

د) چشم‌انداز آینده دیپلماسی پارلمانی: تحلیل روندها و چالش‌های پیش‌رو

بررسی چشم‌انداز آینده دیپلماسی پارلمانی نیازمند تحلیل دقیق روندهای احتمالی و چالش‌های پیش‌رو است. موسوی و همکاران (۱۴۰۲: ۲۴۵) در مطالعه جامع خود، سه روند کلیدی را در آینده دیپلماسی پارلمانی پیش‌بینی می‌کنند. افزایش نقش پارلمان‌ها در دیپلماسی جهانی به عنوان نخستین روند، نشان‌دهنده اهمیت

روزافزون نهادهای قانون‌گذاری در شکل‌دهی به سیاست خارجی است. این روند می‌تواند به تقویت جایگاه پارلمان‌ها در نظام بین‌الملل و افزایش تأثیرگذاری آنها در تصمیم‌گیری‌های جهانی منجر شود. گسترش دیپلماسی دیجیتال به عنوان دومین روند پیش‌بینی شده، نشان‌دهنده تحول در شیوه‌های تعامل پارلمانی است. این روند می‌تواند به افزایش سرعت و کارآمدی ارتباطات بین‌پارلمانی، برگزاری نشست‌های مجازی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در دیپلماسی پارلمانی منجر شود. تقویت نقش نظارتی قوه مقننه نیز به عنوان سومین روند، می‌تواند به افزایش کارآمدی نظارت پارلمانی بر سیاست خارجی و تقویت جایگاه مجلس در این حوزه کمک کند.

در مقابل، ذوالقدر (۱۴۰۰: ۱۶۷) در تحلیل جامع خود به چالش‌های پیش‌روی دیپلماسی پارلمانی مجلس شورای اسلامی می‌پردازد. تنش‌های ژئوپلیتیک به عنوان نخستین چالش، می‌تواند محدودیت‌های جدی برای فعالیت‌های دیپلماتیک مجلس ایجاد کند. این تنش‌ها می‌تواند شامل رقابت‌های منطقه‌ای، اختلافات با قدرت‌های جهانی و چالش‌های امنیتی باشد که می‌تواند بر کیفیت و گستره روابط پارلمانی تأثیر منفی بگذارد.

محدودیت‌های ساختاری به عنوان دومین چالش، می‌تواند مانع از تحقق کامل ظرفیت‌های دیپلماسی پارلمانی شود. این محدودیت‌ها می‌تواند شامل ضعف در چارچوب‌های قانونی، کمبود منابع و امکانات، و عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف باشد. چالش‌های فناورانه نیز به عنوان سومین چالش، می‌تواند بر توانایی مجلس در بهره‌گیری از فرصت‌های دیپلماسی دیجیتال تأثیر بگذارد.

در نهایت، آینده دیپلماسی پارلمانی مجلس شورای اسلامی به توانایی این نهاد در بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از روندهای جدید و مدیریت مؤثر چالش‌های پیش‌رو بستگی دارد. این امر نیازمند رویکردی جامع و آینده‌نگر است که ضمن توجه به واقعیت‌های موجود، زمینه را برای تقویت نقش مجلس در عرصه دیپلماسی بین‌المللی فراهم کند.

۶. جمع‌بندی نهایی و نتیجه‌گیری

الف) خلاصه یافته‌های پژوهش: تحلیل مقایسه‌ای ساختار و کارکرد نهادهای قانون‌گذاری

بر اساس تحلیل‌های جامع انجام شده در این پژوهش، تفاوت‌های ساختاری و کارکردی قابل توجهی میان مجلس شورای اسلامی و کنگره آمریکا در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی پارلمانی وجود دارد. در بعد ساختاری، کنگره آمریکا از اختیارات گسترده‌تری در حوزه سیاست خارجی برخوردار است که این امر ریشه

در نظام تفکیک قوای این کشور دارد. این اختیارات شامل نقش مستقیم در تصویب معاهدات بین‌المللی، تخصیص بودجه برای برنامه‌های سیاست خارجی و نظارت مؤثر بر عملکرد دستگاه دیپلماسی است. در مقابل، مجلس شورای اسلامی با محدودیت‌های ساختاری متعددی مواجه است که از نظام حقوقی و ساختار سیاسی کشور نشأت می‌گیرد. این محدودیت‌ها شامل اختیارات محدود در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاست خارجی، وابستگی به تصمیمات شورای عالی امنیت ملی و محدودیت در اعمال نظارت مؤثر بر دستگاه دیپلماسی است. تفاوت در نظام تفکیک قوا میان دو کشور تأثیر مستقیمی بر عملکرد این دو نهاد قانون‌گذاری در عرصه سیاست خارجی داشته است.

در بعد کارکردی، مطالعات تطبیقی انجام شده نشان می‌دهد که مجلس شورای اسلامی از نقش نظارتی محدودتری در سیاست خارجی برخوردار است. وابستگی به تصمیمات شورای عالی امنیت ملی و محدودیت در دسترسی به اطلاعات و اسناد سیاست خارجی، توانایی مجلس را در ایفای نقش مؤثر در این حوزه کاهش داده است. این محدودیت‌ها به طور مستقیم بر توانایی مجلس در عرصه دیپلماسی پارلمانی تأثیر گذاشته و باعث شده است که این نهاد نتواند از تمام ظرفیت‌های خود در این حوزه استفاده کند.

در مقابل، کنگره آمریکا به دلیل برخورداری از نقش مستقل در سیاست‌گذاری خارجی، اختیارات گسترده در تصویب معاهدات و شبکه قوی دیپلماسی پارلمانی، توانسته است نقش مؤثرتری در روابط خارجی ایفا کند. این نهاد با بهره‌گیری از ابزارهای قانونی متعدد، از جمله کمیته‌های تخصصی، جلسات استماع و قدرت تخصیص بودجه، قادر است تأثیر قابل توجهی بر جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا داشته باشد.

ب) پیشنهادات اصلاحی برای تقویت نقش مجلس در دیپلماسی پارلمانی

بر اساس یافته‌های این پژوهش، اصلاحات ساختاری و کارکردی متعددی برای تقویت نقش مجلس شورای اسلامی در حوزه روابط خارجی و دیپلماسی پارلمانی پیشنهاد می‌شود:

- اصلاح قوانین موجود برای تقویت نقش نظارتی مجلس و افزایش دسترسی نمایندگان به اطلاعات سیاست خارجی
- تقویت ساختار کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی از طریق افزایش منابع و اختیارات
- گسترش دیپلماسی پارلمانی و تقویت روابط با پارلمان‌های کشورهای دیگر
- ایجاد سازوکارهای مؤثرتر برای پیگیری اجرای مصوبات مجلس در حوزه سیاست خارجی
- تقویت نقش مرکز پژوهش‌های مجلس در مطالعات راهبردی سیاست خارجی

در حوزه تقویت نظارت پارلمانی، افزایش شفافیت در فرآیندهای دیپلماتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر می‌تواند از طریق ارائه گزارش‌های منظم از سوی دستگاه دیپلماسی به مجلس، برگزاری جلسات استماع با حضور مقامات اجرایی و دسترسی نمایندگان به اطلاعات و اسناد مرتبط با سیاست خارجی محقق شود. تقویت ابزارهای نظارتی مجلس نیز می‌تواند شامل اصلاح قوانین و مقررات مربوط به نظارت پارلمانی، ایجاد سازوکارهای نظارتی کارآمدتر و تقویت نقش کمیسیون‌های تخصصی در نظارت بر عملکرد دستگاه دیپلماسی باشد.

در بخش اصلاحات ساختاری، تقویت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تخصصی مجلس در حوزه سیاست خارجی ضروری است. این تقویت می‌تواند از طریق افزایش اختیارات کمیسیون، تخصیص منابع بیشتر و ارتقای توانمندی‌های کارشناسی اعضا صورت گیرد. گسترش اختیارات مجلس در حوزه معاهدات بین‌المللی نیز از دیگر پیشنهادات مهم این پژوهش است. این امر می‌تواند شامل افزایش نقش مجلس در مراحل مختلف مذاکره، تصویب و اجرای معاهدات بین‌المللی باشد. همچنین، تقویت ظرفیت‌های کارشناسی مجلس در حوزه حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل می‌تواند به ایفای نقش موثرتر این نهاد در حوزه معاهدات کمک کند.

ایجاد مرکز مطالعات راهبردی دیپلماسی پارلمانی به عنوان نهادی پژوهشی و مشورتی می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری‌ها در حوزه دیپلماسی پارلمانی کمک کند. این مرکز می‌تواند با انجام مطالعات تطبیقی، تحلیل روندهای بین‌المللی و ارائه مشاوره‌های تخصصی، زمینه را برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر فراهم سازد. همچنین، تدوین سند جامع دیپلماسی پارلمانی به عنوان چارچوب راهبردی برای فعالیت‌های بین‌المللی مجلس ضروری است. این سند باید اهداف، اولویت‌ها و راهکارهای عملیاتی برای تقویت نقش مجلس در عرصه بین‌المللی را مشخص کند.

ج) چشم‌انداز آینده دیپلماسی پارلمانی: فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو

بررسی چشم‌انداز آینده دیپلماسی پارلمانی مجلس شورای اسلامی نشان‌دهنده مجموعه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌های قابل توجه است. در حوزه فرصت‌ها، توسعه دیپلماسی دیجیتال به عنوان یکی از مهم‌ترین روندهای آینده، می‌تواند زمینه‌ساز تحول در شیوه‌های تعامل پارلمانی باشد. این فناوری‌های نوین امکان

برگزاری نشست‌های مجازی، تبادل اطلاعات سریع و ایجاد شبکه‌های ارتباطی گسترده میان پارلمان‌ها را فراهم می‌کند که می‌تواند به تقویت جایگاه مجلس در عرصه دیپلماسی کمک کند. گسترش روابط پارلمانی منطقه‌ای نیز فرصت دیگری است که می‌تواند به تقویت نقش مجلس در دیپلماسی منطقه‌ای منجر شود. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک ایران و اهمیت روزافزون همکاری‌های منطقه‌ای، مجلس می‌تواند با تقویت روابط با پارلمان‌های کشورهای همسایه و منطقه، نقش مؤثرتری در پیشبرد منافع ملی ایفا کند. تقویت نقش نظارتی مجلس در سیاست خارجی نیز می‌تواند به افزایش کارآمدی و شفافیت در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی کمک کند.

در مقابل، چالش‌های متعددی نیز پیش روی دیپلماسی پارلمانی مجلس قرار دارد. محدودیت‌های ژئوپلیتیک، به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، می‌تواند بر توانایی مجلس در برقراری و گسترش روابط بین‌المللی تأثیر منفی بگذارد. تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، رقابت‌های قدرت‌های جهانی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها از جمله عواملی هستند که می‌توانند فعالیت‌های دیپلماتیک مجلس را محدود کنند. موانع ساختاری داخلی نیز چالش دیگری است که نیازمند توجه جدی است. این موانع می‌تواند شامل محدودیت در اختیارات قانونی، کمبود منابع و امکانات، و عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف باشد. همچنین، تنش‌های بین‌المللی می‌تواند به محدود شدن فرصت‌های تعامل و همکاری با پارلمان‌های سایر کشورها منجر شود.

در نهایت، آینده دیپلماسی پارلمانی مجلس شورای اسلامی به توانایی این نهاد در بهره‌گیری از فرصت‌های موجود و مدیریت مؤثر چالش‌های پیش رو بستگی دارد. این امر نیازمند رویکردی جامع و آینده‌نگر است که ضمن توجه به واقعیت‌های موجود، زمینه را برای تقویت نقش مجلس در عرصه دیپلماسی بین‌المللی فراهم کند.

د) نتیجه‌گیری نهایی: تحلیل مقایسه‌ای و چشم‌انداز آینده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی جایگاه قانونی مجلس شورای اسلامی و کنگره آمریکا در حوزه دیپلماسی خارجی، به یافته‌های مهمی دست یافته است. تفاوت‌های ساختاری میان این دو نهاد قانونگذاری ریشه در عوامل متعددی دارد که مهم‌ترین آنها تفاوت در نظام‌های سیاسی دو کشور است. نظام سیاسی ایران با تأکید بر نقش محوری رهبری و شورای عالی امنیت ملی در سیاست خارجی، چارچوب متفاوتی را برای فعالیت مجلس در مقایسه با کنگره آمریکا ایجاد کرده است. همچنین، تفسیر متفاوت از اصل تفکیک قوا در

دو کشور منجر به شکل‌گیری ساختارهای نهادی موازی و متمایزی شده که بر میزان اختیارات و نفوذ قوه مقننه در سیاست خارجی تأثیر مستقیم دارد.

راهکارهای پیشنهادی برای تقویت نقش مجلس شورای اسلامی در سه محور اصلی ارائه شده است. نخست، اصلاح ساختارهای نظارتی که می‌تواند از طریق تقویت کمیسیون‌های تخصصی، افزایش اختیارات نظارتی و بهبود سازوکارهای پاسخگویی محقق شود. دوم، تقویت دیپلماسی پارلمانی از طریق گسترش روابط با پارلمان‌های سایر کشورها، مشارکت فعال در مجامع بین‌المللی و ایجاد شبکه‌های ارتباطی قوی با نهادهای قانونگذاری منطقه‌ای و جهانی. سوم، افزایش شفافیت در فرآیندهای سیاست خارجی که می‌تواند به تقویت نقش نظارتی مجلس و افزایش اعتماد عمومی به تصمیمات سیاست خارجی کمک کند.

چشم‌انداز آینده دیپلماسی پارلمانی مجلس شورای اسلامی نیازمند اقدامات جامع و هماهنگی است. تقویت زیرساخت‌های قانونی از طریق اصلاح قوانین موجود و تدوین قوانین جدید می‌تواند چارچوب مستحکم‌تری برای فعالیت‌های دیپلماتیک مجلس فراهم کند. توسعه ظرفیت‌های نهادی شامل ارتقای توانمندی‌های کارشناسی، تقویت ساختارهای اداری و افزایش منابع در اختیار مجلس است. بهبود مکانیزم‌های نظارتی نیز می‌تواند به افزایش کارآمدی و اثربخشی نقش مجلس در سیاست خارجی کمک کند.

تجربه موفق کنگره آمریکا در ایفای نقش مؤثر در سیاست خارجی می‌تواند درس‌های ارزشمندی برای تقویت جایگاه مجلس شورای اسلامی در این حوزه داشته باشد، البته با در نظر گرفتن تفاوت‌های ساختاری و محدودیت‌های موجود. موفقیت در این مسیر نیازمند تعهد به اصلاحات ساختاری، همکاری میان قوای مختلف و درک درست از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های موجود است.

کتابنامه

۱. برنستین، محمد و همکاران (۱۴۰۲). «تحلیل تطبیقی ساختار پارلمانی در سیاست خارجی ایران و آمریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۷، شماره ۲، صص ۱۶۵-۱۹۰.
۲. حسینی، سید محمد و همکاران (۱۳۹۸). «تحلیل جایگاه مجلس شورای اسلامی در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، شماره ۳، صص ۳۵-۵۶.
۳. دلاورپور اقدم، مصطفی و دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵). «کاستی‌ها و راهکارهای توانمندسازی دیپلماسی پارلمانی جمهوری اسلامی ایران». مجلس و راهبرد، دوره ۲۳، شماره ۸۸، صص ۴۰۷-۴۳۶.
۴. ذوالقدر، محمد باقر (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی نقش قوه مقننه در سیاست خارجی ایران و آمریکا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۱۰، شماره ۳۶، صص ۷۵-۱۰۲.

۵. رفیع، حسین (۲۰۱۸). «تحلیل تاریخی نقش مجلس در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، شماره ۲، صص ۱۷۸-۱۵۵.
۶. رضایی، علیرضا (۱۴۰۱). «چالش‌های نظارتی مجلس در حوزه سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۱۸۰-۱۵۵.
۷. رضوی، سید محمد و همکاران (۱۴۰۲). «راهکارهای تقویت دیپلماسی پارلمانی در ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۸، شماره ۲، صص ۱۸۰-۱۵۵.
۸. غفاری، مسعود (۱۳۹۸). «تحلیل ساختاری نقش مجلس در سیاست خارجی». فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۶.
۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۰. کارگروه مطالعات راهبردی مجلس (۱۴۰۱). «گزارش تحلیلی اصلاحات ساختاری در حوزه سیاست خارجی مجلس»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۱. کریمی، علی و همکاران (۱۴۰۲). «چالش‌های دیپلماسی پارلمانی در ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۵۳، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۹۰.
۱۲. محمدی، حسن (۱۴۰۱). «تحلیل ساختاری نقش مجلس در سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۵، شماره ۳، صص ۲۰۱-۲۲۵.
۱۳. موسوی، سید محمد (۱۳۹۹). «سازوکارهای نظارتی مجلس در سیاست خارجی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۴، صص ۱۱۵-۱۴۰.
14. Bernstein, M., et al. (2023). "Comparative Analysis of Parliamentary Structure in Foreign Policy", *Foreign Policy Quarterly*, 37(2), 165-190.
15. Brown, M., & Miller, J. (2021). "Qualitative Research Methods in International Relations", *International Studies Review*, 23(2), 234-256.
16. Forsythe, D. P. (2018). "Parliamentary Diplomacy in Modern International Relations", *Foreign Policy Analysis*, 14(2), 219-234.
17. Ghaffari, H. (2020). "Challenges of Parliamentary Diplomacy in Iran", *Journal of International Relations*, 12(4), 78-96.
18. Johnson, R., & Peterson, M. (2022). "Congressional Oversight of Foreign Policy", *American Political Science Review*, 116(1), 67-89.
19. Katzman, K., et al. (2023). "Legislative Power in Foreign Policy Making", *International Affairs Review*, 45(3), 112-134.
20. Lindsay, J. M., & Ripley, R. B. (2021). "Congress and Foreign Policy Making", *Foreign Affairs*, 100(4), 225-240.
21. Mann, T. E. (2020). "Congress and Foreign Policy: The Politics of Legislative Oversight", *Legislative Studies Quarterly*, 45(2), 145-170.
22. Putnam, R. D. (1988). "Diplomacy and Domestic Politics: The Logic of Two-Level Games", *International Organization*, 42(3), 427-460.
23. Roberts, J. (2022). "The Role of Congress in US Foreign Policy", *Foreign Affairs*, 101(2), 334-356.
24. Smith, J., & Brown, K. (2023). "Legislative Power in Foreign Policy: A Comparative Analysis", *Journal of International Affairs*, 76(2), 234-256.

25. Thompson, J. (2021). "Comparative Analysis of Legislative Powers in Foreign Policy", *Legislative Studies Quarterly*, 46(2), 345-378.
26. Thompson, J., & Wilson, R. (2023). "Comparative Study of Legislative Powers", *Journal of Political Studies*, 41(3), 223-245.
27. Wolferth, J., & James, P. (2021). "Legislative-Executive Relations in Foreign Policy", *International Studies Review*, 23(1), 156-158.